

۹۹درصد سالم سازی هوا با دستگاه تصفیه ایرانی

شاخص‌های شهری که آلودگی هوا را نشان بدهند، تنها راه چاره هشدار به ماندن در خانه و حذف رفت وآمدهای غیر ضروری است، اما این فقط یک مسکن محسوب می‌شود و چاره درمان نیست؛ آن هم وقتی آلودگی به محیط خانه یا محل کار هم راه پیدا کند یا چاره‌ای جز قرارگرفتن در معرض آلودگی نباشد. این‌ها را گفتیم که برویم سراغ اصل مطلب که خبر خوب امروز است. پژوهشگران یک شرکت فناوری مستقر در دانشگاه شهید بهشتی، دستگاه تصفیه هوایی ساخته‌اند که نگرانی ما از وجود هوای آلوده را بر اساس نتایج تحقیقاتشان به ۹۹ درصد کاهش می‌دهند.

مسئله نگران کننده در آلودگی هوا همیشه گازهای CO2 و ذرات PM۲.۵ است و خبر خوش اینکه این دستگاه می‌تواند در محیط‌های بسته خانه یا اداره، این آلودگی‌ها را از بین ببرد. زیرا مبتنی بر پلاسمای سرد عرضه شده است که علاوه بر حذف

آلودگی‌های هوا در وضع اوج آلودگی، این قابلیت را دارد که تا ۹۹ درصد ویروس‌ها و میکروب‌ها را از بین ببرد.

توضیح نیلوفر فرزانه، پژوهشگر بخش تحقیق و توسعه، درباره کاربردهای پلاسمای سرد این گونه است: «پلاسمای سرد، محیطی از گازهای یونیزه است که ذرات را باردار می‌کند و این ذرات باردار در دستگاه‌های تصفیه هوا می‌توانند با پردازش هوا، آلودگی‌های میکروبی، ویروسی و بسیاری از آلودگی‌های کوچک‌تر از میکرون را از بین ببرند.» این خبر خوش یک ضمیمه هم دارد؛ اینکه دستگاه تصفیه هوایی که در شرکت ایرانی تولید و تجاری‌سازی شده است، به کشور‌های حاشیه خلیج فارس صادر می‌شود.

پژوهشگران تولیدکننده این دستگاه در پی دریافت استاندارد CE اروپا و استفاده از این فناوری در لوازم خانگی، صنایع کشاورزی و صنایع



غذایی هستند. اجازه بدهید در پایان خبر خوش امروزمان، این را هم اضافه کنیم که عمر مفید فیلترهای این دستگاه چهار تا شش ماه است.



باغبان قدیمی شهرمان از پیوند سی ساله کارش

با فضای سبز شهرداری می‌گوید

آن قدر درخت کاشته‌ام که حسابش را ندارم

گروه جامعه

گزارش روز

اکنون که در حال نوشتن گزارش هشتم (یکشنبه، ساعت ۱۴:۳۰)

شاخص کیفیت هوای شهرمان روی عدد ۱۸ و در وضعیت ناسالم قرار گرفته است. منطقه امامیه و پایانه امراض^۱ هم در وضعیت قرمز و هشدار قرار دارند. از ابتدای سال هم فقط ۳۵ روز هوای پاک تنفس کرده‌ایم. این‌ها در حالی است که این همه دار و درخت در شهرمان ریشه دوانده است. حالا تصور کنید که هیچ درختی نباشد! کلا همان پس‌مرکه است و بدون بروبرگرد همین چند روز هوای پاک را نخواهیم داشت و همیشه در وضعیت قرمز خواهیم بود و برای ادامه حیاتمان هم یا باید خانه نشین باشیم، یا اگر می‌خواهیم سری به کوچه و خیابان بزنیم، باید کیسول ده کیلویی اکسیژن را به پشتمان ببندیم و ماسک بزنیم و بیاییم کارمان را انجام دهیم. این روزها که مسئولان و مردم در جنب‌وجوش برگزاری روز درخت‌کاری هستند، با یکی از کارکنسته‌های شهرمان که موهایش را در راه سرسبزی مشهد سپید کرده است، هم‌کلام شدیم.

● از روستا تا مخط مقدم

نورمحمد ایزانلو ۵۹سال دارد. اواز همان دوره نوجوانی در کنار پدرش در یکی از روستاهای خراسان شمالی کشاورزی می‌کرده و اکنون سی سال از عمرش بافضای سبز شهرداری پیوند خورده است. نورمحمد اکنون با کوله‌باری از تجربه‌بازنشسته شده است، اما برای اوسروکارداشتن باگل و گیاه کار به حساب نمی‌آید. به گفته خودش، فوت‌وفن را به پسرش منتقل می‌کند و از کارش لذت می‌برد.

سال ۱۳۵۹، درست زمانی که جنگ تحمیلی آغازشد، بیلش را بر زمین گذاشت و به بهانه کار، خودش را به مشهد رساند و از همین‌جا هم عازم جبهه شد. چندماه بعد هم برای خانواده‌اش نامه نوشت و گفت که من در جبهه‌ام و حال‌م خوب است و... درگیردار جنگ ازدواج کرد تا کمی از نگرانی‌های خانواده‌اش کم شود و البته برای اعزام‌های بعدی حامی داشته باشد. سرانجام پس از پنج سال در یکی از عملیات‌ها ترکش خمپاره ۶۰به‌اوصابت کرد و او را از ادامه خدمت بازداشت.

برای احساس حال و هوای کارش، در فضای سبز باوا هم‌کلام می‌شویم. می‌گوید: «من روستازاده‌ام و مدتی از عمرم را در کنار پدرم کشاورزی می‌کردم. وقتی در کوچه پس‌کوچه‌های مشهد قدم می‌زدم و فضای سبز را می‌دیدم، حس و حال خوبی داشتم. به‌طوری که انگیزه‌ام برای کار در اداره فضای سبز روز به‌روز بیشتر می‌شد، تا اینکه سال ۱۳۷۰ برای کار

وارد شهرداری شدم و تاکنون در مناطق ۲، ۴ و ۹ سازمان پارک‌ها کار کرده‌ام.»

● فوت‌کوزه‌گری آقای باغبان

شهرداری سالانه هزاران درخت را در شهر می‌نشانند. بعضی درختان سبز باقی می‌مانند و بعضی با خشک می‌شوند یا می‌شکنند. نورمحمد در سالیان حضورش در شهرداری، بهمن و اسفند و فروردین همراه همکارانش درختان زیادی کاشته است. به گفته خودش آن قدر در مشهد درخت کاشته است که شمارش را ندارد. تنها چیزی که می‌داند، این است که عاشق درخت و طبیعت است. از او می‌خواهم خاطره‌ای مرتبط با درخت برایمان تعریف کند و او می‌گوید: «معمولا با خانواده زیاد برای تفریح به خارج از شهر می‌رویم. یک روز صبح که به شاندیز رفته بودیم، وارد یکی از باغ‌های میوه شدم. صاحب باغ مشغول قدم‌زدن بود. خداقوتی گفتم و کمی با هم صحبت کردیم. درختان باغش بسیار رشد کرده بودند و نیاز به هرس داشتند. از او خواستم اجازه دهم که درختانش را هرس کنم و او با دلهره پذیرفت. به او گفتم چند ساعتی از آنجا برو، چون می‌دانستم زمان زیادی را صرف درختان کرده است و دیدن صحنه ا ره کردن درختان ناراحتش می‌کند. مکان را ترک کرد و پس از چند ساعت برگشت. وقتی درختان هرس شده را دیدم، خیلی عصبانی شد و حرف‌های زشت و ناپسندی به‌من زد. صبر کردم و گذاشتم خوب حرف‌هایش را بزنند. حرف‌هایش که تمام شد، به او گفتم اگر فکر می‌کنی که درختانت را خراب کرده‌ام،

هر کارشناسی را که دوست داری، بیاور. هر چه خسارت تعیین کرد، می‌پردازم. بعد گفتم در سال چندتر میوه برداشت می‌کنی؟ جواب داد سالی کمتر از یک جعبه. گفتم مطمئن باشی از سال بعد میوه بیشتری جمع می‌کنی. با عصبانیت من را از باغش بیرون کرد. من هم شماره‌ام را دادم و گفتم موقع چیدن میوه‌ها با من تماس بگیر.»

نورمحمد ادامه می‌دهد: «از این ماجرا چندماه گذشت. یکی از روزهای مراد تلفن همراهم زنگ زد. همان صاحب باغ عصبانی بود، ولی این بار با نرمی و احترام صحبت می‌کرد. مشتاق بود که‌من را ببیند و اصرار می‌کرد که به باغش بروم. نشانی منزلم را گرفت و با همسرش دنبالم آمدند. به همان باغ رفتم. همان چیزی شده بود که منتظرش بودم. میوه‌های زیادی داخل جعبه‌ها چیده بود. حدود چهار جعبه میوه را هم بین نیازمندان توزیع کرده بود و چندجعبه‌ای هم به اقوامش داده بود. از برخوردی که آن‌زمان با من کرده بود، بسیار پشیمان بود. یاد می‌آید چند جعبه میوه هم برای من کنار گذاشته بود و دستم‌زدم را هم داد. از همان سال به بعد با هم دوست هستیم و هر سال هرس درختانش را به من می‌سپارد.»

● امر به معروف و عامل

نورمحمد خاطره جالب دیگری از ماجرای گردش بیرون از شهر تعریف می‌کند: «در حال قدم‌زدن در دامن طبیعت بودم که دیدم پدر و پسر افتاده‌اند به جان یک درخت زرشک و می‌خواهند آن را هیزم

پرشور مشهدی، گذشته است.

او خیلی اتفاقی تصمیم گرفت که هوای زمین را داشته باشد. ماجرای این تصمیم و شکل‌گیری گروه ردپای سبزش برمی‌گردد به زمانی که همراه خانواده برای تفریح به جاغرق رفته بودند و شاهد حجم زیادی از زباله‌های رهاشده در کنار جاده و طبیعت جاغرق بود. این تصویر شروع یک حرکت برای او و دوستانش بود.

● هدیه‌ای برای زمین

گروه «ردپای سبز، آقای لطفی حالا ۷هزار عضو مجازی دارد. هسته اصلی یا اعضای که پای ثابت برنامه‌های درخت‌کاری این گروه هستند، به پنجاه نفر می‌رسد. جمعه‌گذشته این گروه در یکی از زمین‌های محدوده طرقيه و شاندیز سیصد درختچه ارغوان کاشتند. برنامه دوم آنان چهارشنبه این هفته است. قرار است در این برنامه نیز تعداد دیگری درخت و درختچه و بوته به‌زمین هدیه دهند.

● پوشش «جنگل من»

لطفی برای کاشت این تعداد درختچه توضیحاتی دارد و می‌گوید: «از شهربرور امسال تصمیم گرفتیم پوششی با عنوان «جنگل من» را برای سرسبزی زیست‌بوم اطراف خودمان اجرایی‌کنیم. برای این پوشش کارهای بسیاری انجام دادیم. از جمله آن‌ها می‌توانم به تحقیق و گفت‌وگو با استادان محیط‌زیست و منابع طبیعی، تایپ‌گیری برای فراهم‌کردن زمین و درختچه‌های لازم برای کاشت اشاره کنم.» به گفته او، در این مدت با استادان دانشگاه نیز جلساتی برگزار شد تا درختان مناسب با وضعیت

زیست‌بوم منطقه به‌آنان معرفی شود. علاوه بر آن، زمین محدوده نیز از نظر خاک، میزان سایه و آفتاب بررسی شد تا درختچه‌ای مناسب کاشته شود.

لطفی در ادامه به کاشت درختچه ارغوان اشاره می‌کند و می‌گوید: «با بررسی‌ها و تحقیقاتی که انجام دادیم، پنج گونه درخت و درختچه بوته را در نظر گرفتیم که بتوانیم به اکوسیستم منطقه جان دوباره بدهیم. بوته زرشک کوهی و زالزالک و درخت داغداغان و نوعی درخت توت همراه با درختچه ارغوان به عنوان بوته‌های مناسب با آب‌وهوای این زیست‌بوم در نظر گرفته شد.

مدیر گروه مردمی «ردپای سبز» تأکید می‌کند که در کارهایشان به کیفیت بیش از کمیت توجه دارند. او گفته‌هایش را این‌طور کامل می‌کند: «هرسال و در آستانه روز درخت‌کاری، گروه‌های بسیاری درخت می‌کارند. با این حال، حتی تا سال بعد از درختانی که کاشته‌اند، سراغی نمی‌گیرند. این ایراد بزرگی است که سبب بی‌سرانجام بودن طرح‌های درخت‌کاری می‌شود.»

● پیگیری درختان کاشته‌شده تا ۲۰ سال

لطفی می‌گوید: «برای آنکه درختانی که کاشته‌ایم به ثمر برسد، اعضای گروه این تعهد را دارند که تا دو سال از این درختچه‌ها و درختان خبر بگیرند و اگر به‌آب نیاز داشتند، آن‌ها را آب بدهند تا این درختان بتوانند جایشان را در خاک محکم کنند.» او به کاشت درخت در محدوده مشهد نیز تأکید می‌کند، با این شرط که نهادهای مسئول زمینی مناسب برای درخت‌کاری در نظر بگیرند.

چشم‌تان روشن

چشم‌تان روشن

خبرهایی که حال دل‌مان را خوب می‌کند برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی‌ها، آدمیزاده به امید زنده‌است. برای امیدواری بهانه‌ها که هیچ، دلیل‌ها هم فراوان‌اند. می‌گویید نه؟ کافی است هر روز به، «چشم‌تان روشن»، سری بزنید و به خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده‌ایم، نگاهی ببندازید. کوچک یا بزرگ، فرقی نمی‌کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما در میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را با هم‌شهریانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی‌مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۶ پیامک بدهید تا در کوتاه‌ترین زمان با شما تماس بگیریم و چشم مردم را به خبر خوش‌تان روشن کنیم.

یادداشت

کابوس ماهانه



با همسرش کنار بنگاه املاک ایستاده‌اند و به برگه‌های چسبانده‌شده به در بنگاه نگاه می‌کنند؛ همان برگه‌هایی که رویش قیمت خانه‌ها و شرایطشان را نوشته‌اند. چند لحظه سکوت بینشان حکم فرما می‌شود و فقط به هم نگاه می‌کنند. زن سرش را به نشانه ناامیدی تکان می‌دهد و مرد برای اینکه باز هم تلاشش را کرده باشد، وارد بنگاه می‌شود و به بنگاه‌دار می‌گوید: «بخشید، خانه‌های اجاره‌ای فقط همان‌هایی است که روی در زده‌اید؟» بنگاه‌دار بابی حوصلگی سری تکان می‌دهد و مرد دوباره می‌پرسد: «ارزان‌تر ندارید؟» این قیمت‌ها خیلی زیاد است. «بنگاه‌دار بار دیگر با حالتی تشرامیز می‌گوید: «آقا، خانه‌گران شده‌است، دنبال خانه ارزان نگرد!» مرد از بنگاه بیرون می‌آید و به همسرش می‌گوید: «مگر حقوق من و تو می‌تواند جوابگوی پرداخت هزینه‌های سنگین اجاره‌خانه و رهن آن باشد؟» این را می‌گوید و باز به جست‌وجو ادامه می‌دهند.

این ماجرای بسیاری از اجاره‌نشین‌های شهر ما در این روزهاست. این روزها اجاره‌نشینی دیگر خوش‌نشینی نیست. زیرا مستأجران روزهای پراسترس و کلافه‌کننده‌ای را پشت سر می‌گذارند و با غولی به نام رهن و کابوس ماهانه‌ای به نام اجاره دست‌وپنجه نرم می‌کنند.

● صدایی که به گوش نمی‌رسد!

بسیار تلخ و سخت است روزهایی که کم‌کم مهلت قرارداد‌های اجاره به پایان می‌رسد و خانواده‌ها به دنبال خانه جدید می‌گردند، خانه‌هایی با قیمت‌های سرسام‌آور و نظارتی که بر این قیمت‌ها وجود ندارد. در این میان نگرانی‌های دیگر، قیمت اجاره‌های بیشتر می‌شود. هر اتفاقی می‌تواند بهانه‌ای برای مؤجران باشد تا خانه‌هایشان را با قیمت‌های بیشتر کرایه دهند، دلار گران می‌شود، تورم بالا می‌رود، تحریم‌های جدید بین المللی وضع می‌شود و... بلافاصله مسکن هم تکان می‌خورد و صاحب‌خانه‌ها تلاش می‌کنند که از قافله عقب‌نمانند و قیمت خانه‌هایشان را بیشتر کنند. در این میان نظارت جدی نیز وجود ندارد. آیین‌نامه‌های زیادی در این راستا ابلاغ شده است، اما هیچ نهادی برای نظارت جدی بر قیمت خانه‌ها پاسخگو نیست و زمانی که مستأجر به قیمت هفتگفت خانه اجاره‌ای اش اعتراضی داشته باشد، فایده‌ای ندارد و گوپی هرگز صدایشان به گوش کسی نمی‌رسد. اگر قدیم‌تر خرید خانه برای بخش درخور توجهی از مردم شبیه رویایی دست‌یافتنی بود، آرام‌آرام پرداخت اجاره‌بها و توانایی رهن یا اجاره خانه‌ای مناسب برای عده زیادی تبدیل به آرزو شده که خدا و کیلی این اوج بی‌عدالتی است.

● معضلات اسباب‌کشی

از آنجا که معمولا کمسیون بنگاه‌ها با توجه به میزان اجاره‌بها تعیین می‌شود، برخی بنگاهداران برای افزایش درآمدشان صاحب‌خانه‌ها را به افزایش قیمت خانه‌ها تشویق می‌کنند و در این میان از آب گل‌آلود ماهی می‌گیرند، اما اگر نهادهای مسئول، قیمت کمسیون بنگاه‌ها را با توجه به معیارهایی مانند مکان خانه، مساحت آن و... به‌طور ثابت تعیین کنند، بسیاری از مشکلات موجود در این زمینه حل خواهد شد. متأسفانه در کنار همه این مشکلات و هزینه‌های سنگین جابه‌جایی وسایل، از بین رفتن اسباب‌خانه هم از دیگر معضلات موجود در این زمینه است. به‌ویژه برای زوج‌های جوان که در ابتدای زندگی مشترکشان هستند، این مسئله سخت‌تر است. زیرا وسایل نو خانه‌شان را خیلی زودتر از آنچه فکر می‌کردند، باید تعویض کنند. اگر صاحب‌خانه‌ها با مستأجران کنار بیایند و به جای اینکه فقط به فکر سود خود باشند، کمی هم به‌وضع دشوار طرف مقابل فکر کنند، با توافق بر سر قیمتی مناسب می‌توان چند سال در یک خانه اجاره‌ای زندگی کرد و این کار علاوه بر اینکه مقداری آرامش فکری و زمان برای تلاش و خانه‌دار شدن را به مستأجر می‌دهد، صاحب‌خانه را هم از معضلات ناشی از مستأجران جدید و ناشناخته که گاه باعث بروز مشکلاتی می‌شوند، رهایی می‌بخشد.

● هوای هم را بیشتر داشته باشیم

در این اوضاع نابسامان اقتصادی که گوپی دیگر کاری از دولت‌های مختلف برای سامان دهی موضوع مسکن بر نمی‌آید، دست‌کم خودمان باید بیشتر هوای هم را داشته باشیم. باید مؤجران بیشتر از گذشته رعایت حال مستأجران را بکنند. چون وضع نسبت به گذشته بسیار متفاوت و زندگی مردم از نظر مسائل اقتصادی بسیار سخت‌تر شده است. فراموش نکنیم که همه چیز به قیمت ارز، سکه و طلا بر نمی‌گردد و انسانیت و شرافت هم بخشی از ماجرای زندگی انسان است. کافی است خدا را هم در نظر داشته باشیم و رعایت حال هم‌نوعانمان را بکنیم.

رویداد

اله‌ام مهدیزاده! گروه مردمی «هدیه‌ای برای مادرم، زمین، جمعه در یکی از دشت‌های طرقيه و شاندیز به مادرمان، زمین، ارغوان هدیه دادند. بر این اساس، جمعی از دوستداران طبیعت